



راهنمای نگارش و تنظیم مقاله

1. مقاله باید به زبان فارسی و نتیجه تحقیق نویسنده یا نویسندگان باشد و متن کامل آن پیشتر در هیچ مجله یا نشریه‌ای منتشر و یا برای چاپ ارائه نشده باشد.
2. مشخصات مقاله، مانند: نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی، نام دانشگاه یا مرکز علمی نویسنده و نشانی الکترونیکی در صفحه نخست مقاله آورده شود.
3. مقاله به ترتیب شامل: عنوان، چکیده، کلید واژه‌ها، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری و فهرست کامل منابع خواهد بود.
4. چکیده باید در یک یا دو پاراگراف و حداکثر تا ۲۰۰ کلمه، بازگوکننده محتوای مقاله با تأکید بر روش‌ها و یافته‌ها باشد.
5. مقاله باید در محیط Word ۲۰۱۰ و حداقل ۱۴ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه (۳۵۰ کلمه‌ای) ارسال گردد.
6. ارجاعات داخل متن الزاماً به صورت قاعده (A.P.A) نوشته می‌شود.
7. فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج شود:
الف) برای کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم، شماره جلد، نوبت چاپ، ناشر و محل انتشار.
ب) برای مقاله: نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله (داخل گیومه)، عنوان مجموعه (نشریه)، شماره نشریه و شماره صفحه.



بررسی فقهی لزوم اهتمام والدین در آموزش واجب و حرام قبل از سن تکلیف

مریم رحیمی^۱

زیبا رودی^۲

چکیده

دوران کودکی، دوران طلایی هر انسانی است که با استفاده از مربی عالم، می‌توان وی را در زمینه‌های مختلف، تربیت و راهنمایی کرد. یکی از امور مهم تربیتی، تربیت عبادی است که مربوط به مسایل عبادی از جمله واجبات، محرمات، مکروهات، مستحبات و امور مباح می‌باشد. کودک، بعد از سن تکلیف، موظف به این امور می‌شود؛ ولی قبل از این دوره، اهتمام ولی و مربی به این امور مهم است، زیرا پیامدهای موثری بر آینده کودک دارد. می‌بینیم والدینی که به دلیل تفکرات خاصی، به امور دینی کودکان اهتمام نداشتند، ثمره آن نوجوانانی است که نسبت به مسایل دینی و تکلیفی خود کم اهمیت‌اند و این نوجوانان مربیان فردا خواهند شد. نوشته‌های مختلفی پیرامون موضوع «تربیت عبادی کودک قبل از سن تکلیف» وجود دارد، ولی در این نوشته سعی شده است با برخی ادله اربعه در فقه امامیه، «لزوم آموزش دینی بر والدین قبل

^۱-دانش پژوه کارشناسی ارشد جامعه‌المصطفی العالمیه خراسان rahimi@yahoو.com ۱۳_۳

^۲- استاد همکار گروه علوم قرآن جامعه‌المصطفی العالمیه خراسان roodi@chmail.ir

از بلوغ» بررسی و سهم والدین در این امر مهم، موشکافی شود؛ لذا موارد زیر بررسی خواهد شد: سن بلوغ در فقه، حقوق و قانون جمهوری اسلامی ایران، آموزش‌های دوران کودکی (قبل از بلوغ) و زمان آن، ادله موافقین و مخالفین و خوب آموزش امور عبادی بر والدین و در نهایت جمع بندی این دو نظر. همچنین این نوشته، با شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب فقهی فراهم آمده و به روش توصیفی-تحلیلی است. با توجه به اهمیت تربیت در دوران کودکی و اهتمام اهل بیت (علیهم‌السلام) به این امور، حداقل حکمی که می‌توان برای والدین ثابت کرد، فریضه بودن این امر است و از طرفی به حکم عقل، تربیت درست انسان منجر به رشد و عدم انحطاط جامعه می‌شود.

کلید واژه‌ها: فقه تربیت، آموزش، تکالیف شرعی، تربیت عبادی، کودک، غیرمکلف

مقدمه

آموزه‌های دینی با هدف سعادت بشر مطرح شده است، لذا دین در همه دوران‌ها و محیط‌ها دارای نگاهی همه جانبه و کامل می‌باشد. دوران کودکی، دوره‌ای حساس است، به همین علت اسلام تاکید زیادی بر تربیت در دوران کودکی دارد. تربیت دارای ابعاد گوناگونی است؛ از جمله: تربیت فردی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی، تربیت جنسی و... یکی از امور مهم تربیتی، تربیت عبادی است که مربوط به مسائل عبادی از جمله واجبات، محرمات، مکروهات، مستحبات و امور مباح می‌باشد. این امور برای خود کودک مربوط به بعد از سن بلوغ است، لذا مشاهده‌های میدانی نشان می‌دهد که والدین اهتمامی ندارند کودک را قبل از سن بلوغ، به این امور مکلف کنند؛ زیرا می‌دانند کودک



هنوز مکلف نشده و عقابی ندارد یا بر خود واجب نمی‌دانند و معتقدند آزادی کودک را در انتخاب مسیر نباید مختل کرد. در مورد امور عبادی کودک نوشته‌های فراوانی وجود دارد ولی در این نوشته سعی شده است «لزوم احتیاط والدین در رعایت واجب و حرام قبل از سن تکلیف» بررسی شود. با توجه به این که دوران کودکی، دوران یادگیری بدون فراموشی است و اثرات عمیقی در افکار و رفتار وی در بزرگسالی دارد، لذا باید اهتمام ویژه‌ای در این دوران داشت. همان طور که می‌دانیم تربیت صحیح، نتیجه آموزش صحیح می‌باشد، لذا در متن اغلب از کلمه تربیت استفاده شده است و اشاره به همین رابطه دارد. در ادامه به این مباحث می‌پردازیم: محدوده سن بلوغ در فقه، حقوق و قانون جمهوری اسلامی ایران، آموزش‌های دوران کودکی (قبل از بلوغ) و زمان آن، ادله موافقین و مخالفین وجوب آموزش امور عبادی بر والدین و در نهایت جمع بندی این دو نظر؛ به منظور دستیابی به این اطلاعات، به منابع فقه استدلالی و فتوایی امامیه و سایر کتب مراجعه شده است؛ همچنین مقاله با روش توصیفی و تحلیلی نگارش خواهد شد.

مفهوم شناسی

۱. «لزوم» از ریشه «لزم» است. ابن فارس چنین می‌نویسد: «اللام و الزاء و المیم اصل واحد صحیح، یدل علی مصاحبه الشی بالشی دائما؛ ل، ز، م دارای یک اصل واحد صحیح است که دلالت می‌کند بر همراهی دائمی شی‌ای با شی‌ای دیگر» (احمد بن فارس، ۱۳۸۷، ۸۸۴) فیومی در المصباح المنیر می‌نویسد: «الشی ثبت و دام و یتعدی» (فیومی، ۱۴۲۵، ۵۵۲) همچنین همین معنا در سایر کتاب‌های لغت چنین آمده: «پیوسته ماندن با چیزی یا کسی، ضرورت داشتن، بایستن» (معین، ج ۳، ۱۳۸۵، ۳۵۸۱) «پیوسته ماندن با کسی» (دهخدا،

ج ۱۳، ۱۳۷۷، ۱۹۶۷۰) «پیوسته و ثابت شدن و دوام یافتن با چیزی» (جبران مسعود، ج ۲، ۱۳۸۰، ۱۴۹۰)

۲. «احتیاط» عبارت است از: «با استواری و هوش، کاری را انجام دادن» (دهخدا، ج ۱، ۱۳۷۷، ۱۰۷۵) «استوار کردن، به استواری فراگرفتن، به هوش کاری کردن، دوراندیشی، عاقبت اندیشی، رفتار کردن به احکام مذهبی بر حسب احتیاط» (معین، ج ۱، ۱۳۸۵، ۱۵۶).

۳. «وجوب» را ابن فارس چنین می‌نویسد: «الواو و الجیم و الباء اصل واحد، یدل علی سقوط الشی و وقوعهم یتفرع» (احمدبن فارس، ۱۳۸۷، ۱۰۱۳) در سایر کتاب‌های لغت نیز همین معنا اشاره شده، از جمله: «واجب آمد، لازم و ثابت شد» (جبران مسعود، ج ۲، ۱۳۸۰، ۱۸۵۲)، «حتمی و ناگزیز» (دهخدا، ج ۱۵، ۱۳۷۷، ۲۳۰۲۸) «واجب و لازم شدن» (معلوف، ج ۲، ۱۳۸۴، ۲۱۴۴) «آن چه به جا آوردنش ضرور است» (معین، ج ۴، ۱۳۸۵، ۴۹۲۸) «لَزِمَ وَ تَبَّتَ» (فیومی، ۱۴۲۵، ۶۴۸).

۴. «حرام» از ریشه «حرم» می‌باشد. در تعریف این کلمه داریم: «الحاء و الراء و المیم اصل واحد و هو منع و التشدید؛ فالحرام: ضد الحلال» (احمدبن فارس، ۱۳۸۷، ۲۲۱) «ه الشی: او را از آن چیز بازداشت، محروم گردانید» (جبران مسعود، ج ۱، ۱۳۸۰، ۶۶۹) «محروم و منع کردن» (معلوف، ج ۱، ۱۳۸۴، ۲۷۳) «منع کردن» (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷، ۸۸۳۰)، «ناروا، ناشایست، کاری که اسلام آن را منع کرده و ارتکاب آن گناه باشد» (معین، ج ۱، ۱۳۸۵، ۱۳۴۶) «امتنع فعله» (فیومی، ۱۴۲۵، ۱۳۱).

۵. «تکلیف» از ریشه «کلف» در باب تفعیل می‌باشد. ابن فارس چنین می‌نویسد: «الكاف و اللام و الفاء اصل صحیح یدل علی ایلاع بالشی و تعلق به»



(احمدبن فارس، ۱۳۸۷، ۸۶۶). همچنین در معنای این کلمه داریم: «کاری را به گردن او وانهاد» (جبران مسعود، ج ۲، ۱۴۵۵، ۱۳۸۰)، «واجب کردن کاری بر کسی که می‌تواند آن را انجام دهد» (معلوف، ج ۲، ۱۳۸۴، ۱۶۱۲)، «چیزی از کسی خواستن که در آن رنج بود» (دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۷، ۶۹۱۳)، «بارکردن، به گردن گذاشتن، رسیدن به سن بلوغ و رشد» (معین، ج ۱، ۱۳۸۵، ۱۱۲۷)، «مشقت» (فیومی، ۱۴۲۵، ۵۳۷).

۶. «بلوغ»؛ راغب اصفهانی می‌گوید: «بلوغ به معنی ابلاغ به معنی رسیدن به پایان مقصد است اعم از آن که یا زمان یا امری معین باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۴۴). در کتاب‌های المنجد (معلوف، ۱۳۸۴، ۱۰۲) معجم البسیط (ناصرعلی عبدالله، ۱۳۸۷، ۱۰۳)، نه‌یاه ابن‌اثیر (الجزری، ج ۱، ۱۳۸۴، ۱۵۲) معجم الوسیط (انیس، ج ۱، ۱۳۸۹، ۱۴۵) و ... نیز بلوغ با تعابیر مختلف ولی به همین معنا به کار رفته است.

بلوغ از نظر روان‌شناسان

«روان‌شناسان در تعریف بلوغ عقیده دارند: نقطه زمانی پیدایش غریزه جنسی را در کودک، شروع بلوغ می‌گویند. این دوره منشأ تغییرات زیادی در وجود شخص می‌باشد. بلوغ موجب می‌شود که شخص به گونه‌ای متفاوت احساس نماید و نگاهش نسبت به جهان تغییر می‌کند. برخورد او نسبت به دیگران و خودش عوض می‌شود. عقل قوت می‌یابد. این حالت گذر از دوران طفولیت به مرز کمال و رسیدن به رتبه زنان و مردان است» (همدانی، ۱۳۸۴، ۹). «البته برای این مرحله علایم و نشانه‌هایی نیز ذکر می‌کنند که در جای خود باید مورد بحث و تامل قرار گیرد» (همدانی، ۱۳۸۴، ۱۰).



بلوغ در فقه

«فقه‌های شیعه در حقیقت بلوغ، دارای دو دیدگاه هستند: اول این که بلوغ را یک امر طبیعی و عرفی می‌دانند و عقیده دارند چون بلوغ از موضوعات عرفی است نه شرعی، از سوی شریعت نمی‌شود تعریف کرد» (همدانی، ۱۳۸۴، ۱۰). این نظر از عبارت مرحوم صاحب جواهر کاملاً روشن می‌شود. ایشان می‌فرماید:

«فهو {البلوغ} حیث کمال طبیعی للانسان یبقی به النسل و یقوی معه العقل و هو حال انتقال الاطفال الی حد الکمال و البلوغ مبلغ النساء و الرجال و من هنا اذا اتفق الاحتلام فی الوقت المحتمل حصل به البلوغ و لم یتوقف علی بیان الشارع فان البلوغ من الامور الطبیعیه المعروفه فی اللغه و العرف و لیس من الموضوعات الشرعیه التي لا تعلم الا من جهع الشرع کالفاظ العبادات؛ در این صورت بلوغ کمال طبیعی انسان محسوب می‌شود. چیزی که مایه بقای نسل و قدرت گرفتن عقل است و بلوغ حالت انتقال کودک از طفولیت به کمال یعنی رسیدن به مرتبه زنان و مردان است. از همین نکته درمیابیم که اگر احتلام در وقت خودش رخ دهد، بلوغ حاصل می‌شود و متوقف بر بیان شارع نیست، زیرا بلوغ از امور طبیعی است. اموری که برای شناخت آن باید سراغ فرهنگ و عرف مردم رفت. بلوغ از موضوعات شرعی نیست تا مثل واژه‌های رایج در عبادات، از سوی شریعت تعریف گردد.» (نجفی، ج ۲۶، ۱۴۰۴، ۴)

از نظر محمدحسن نجفی، بلوغ را عرف تعریف می‌کند و معتقد است شریعت اصلاً در این مسئله دخالت ندارد؛ زیرا بلوغ موضوع شرعی نیست بلکه موضوع عرفی و طبیعی است. در حال حاضر نیز تعدادی از دانشمندان از قبیل آقایان جنتی، سیدمحمد موسوی بجنوردی، فاضل میبدی و سید محمد جوادی اصفهانی نظرشان بر این دیدگاه استوار است» (همدانی، ۱۳۸۴، ۱۱). «دیدگاه

دوم که مربوط به بیشتر فقهاست، معتقدند بلوغ، از موضوعات شرعی است و فقه باید آن را تعریف کند تا حقیقت آن بر مکلفین معلوم شود» (همدانی، ۱۳۸۴، ۱۱). شهیدثانی در این زمینه فرمود: «البلوغ الذی یجب معه العباده الاحتلام... او الابنات للشعر الخشن علی العانه مطلقا او البلوغ اى اکمال الخمس عشر سنه هلالیه فی الذکر و الخنثی و اکمال تسع فی الانثی...؛ بلوغ که شرط وجوب عبادت می باشد، عبارت است از: احتلام... یا روییدن موی درشت بر عانه و یا رسیدن سن پسر و خنثی به ۱۵ و دختر به ۹ سالگی است» (عاملی، ج ۲، ۱۴۱۰، ۱۴۴)

افراد دیگری نیز همین عقیده دارند و در کتب خویش به این موضوع اشاره کردند؛ که عبارت‌اند از: شیخ صدوق در مقنع (قمی، ۱۴۱۵، ۱۱۶)، ابن‌ادریس در سرائر (حلی، ج ۱، ۱۴۱۰، ۳۶۷) فاضل‌آبی در کشف‌الرموز (یوسفی، ج ۱، ۱۴۱۷، ۵۵۲) علامه‌حلی در ارشادالاذهان (اسدی، ج ۱، ۱۴۱۰، ۳۹۵) ابن‌فهد در المذهب‌البارع (حلی، ج ۲، ۱۴۰۷، ۵۱۵) شهیداول در لمعه (عاملی، ۱۴۱۰، ۶۱) و...

بلوغ در حقوق

«قانون‌گذار به پیروی از نظریه مشهور فقهاء در اصلاح سال ۱۳۶۱ قانون ماده ۱۲۱۰ اصلاحی در تبصره ۱ آن را به تصویب رساند که بر اساس این ماده قانونی سن بلوغ را در پسر، پانزده سال تمام قمری و در دختر، ۹ سال قمری معین کرد، لیکن با توجه به این که دو صفت بلوغ و رشد رافع حجر از کودک (صغیر) است، بین حقوق‌دان‌ها در تفسیر این ماده و تبصره آن اختلاف است که آیا حصول بلوغ دلیل بر رشد صغار است یا این که دو صفت جداگانه هستند؟ و یا صدر ماده که رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده یا تبصره ۲ آن

در تعارض است یا صدر ماده ناظر به رشد در همه موارد جز مسایل مالی است و تبصره مبین دخالت صغیر در امور مالی است، گرچه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۶۴/۱۰/۳ تفسیری قابل قبول از ماده ۱۲۱۰ اصلاحی و تبصره ۲ آن به دست داده لیکن در جای خود محل بحث و تامل فراوانی است که در این مختصر نمی‌گنجد» (همدانی، ۱۳۸۴، ۱۲). با توجه به نظرات مختلف پیرامون سن بلوغ، از تعیین سن مشخصی برای بلوغ خودداری کرده و فقط به پاسخ همین مسئله اکتفا می‌کنیم: آیا در زمانی که یقین به عدم تکلیف کودک هست، بر والدین کودک اهتمام به امور عبادی لازم است یا خیر؟

آموزش‌های دوران کودکی (قبل از بلوغ)

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، آموزش در دوان کودکی بسیار موثر است و می‌تواند آینده‌ساز باشد. البته آموزش و تعلیم با تربیت متفاوت است ولی ارتباط مستقیمی با این بحث دارد؛ لذا ابتدا فرق تعلیم و تربیت و ارتباط بین این دو را مطرح کرده و سپس با توجه به ابعاد گوناگون انسان به چند مورد از آموزش‌های لازم اشاره می‌کنیم.

۱. تفاوت تعلیم و تربیت

تعلیم یعنی آموزش دادن به کسی که چیزی نمی‌داند، یاد دادن، چهل و ابهام او را رفع کردن؛ اما تربیت یعنی رشد دادن، افزودن، بارور کردن، کیفیت و یا کمیت چیزی را افزودن، موجود بالقوه را تبدیل به بالفعل نمودن، استعداد را به اجرا و عمل کشاندن. مثلاً اگر به کسی بفهمانیم که آسمان هفت تا است، خورشید مرکب از نور و جسم است و یا نماز دارای پنج رکن است و یا انسان مرکب از عقل و شهوت است و امثال آن، او را تعلیم داده‌ایم؛ اما اگر



عاطفه کسی را افزودیم، از اخلاق بد باز داشتیم، رفتار او را اصلاح نمودیم، ادب او را درجه‌ای به درجه بالاتر ارتقا دادیم، اراده و عزم او را به زندگی تقویت کردیم، ناامیدی را به امید تبدیل نمودیم و ... او را تربیت نمودیم و در واقع تعلیم مربوط به امور عقلانی است و تربیت مربوط به امور قلبی و اخلاقی و معنوی است. هر انسانی از جمله کودک هم به تعلیم احتیاج دارد و هم به تربیت. اگر به فرزند قرآن خواندن را آموختی، او را تعلیم دادی؛ اما اگر عظمت قرآن را در دل او بزرگ کردی به نحوی که قرآن را بزرگ بشمارد، آن را ببوسد و با وضو تلاوت کند، هرگاه قرآن تلاوت می‌شود آن را گوش کند و خلاصه با نگاه تکریم با قرآن برخورد کند، او را تربیت کرده‌ای» (پاک‌نهاد، ۱۳۹۵، ۴۰). لازم به ذکر است که آموزش عامل تغییر است و «می‌توان به لحاظ آموزشی، به روش‌های پیشرفته‌ای دست پیدا کنیم که نوید تربیت بهتر فرزندانمان به وسیله آموختن آینده را بدهد» (تافلر، ۱۳۷۷، ۵۹).

۲. آموزش دینی

تجربه نشان داده است که یک فرد دین‌دار، به طور طبیعی مایل است فرزند متدینی داشته باشد. برای این امر، حداقل لازم است کودک از دوران کودکی، موارد دینی را ببیند تا با آن‌ها آشنا شود. از آن جایی که یکی از راه‌های یادگیری، مشاهده است؛ بنابراین همین اخلاق روزمره دینی انسان، مانند نماز، حجاب و سایر اعمال عبادی می‌تواند زمینه فراگیری این مطالب را به کودک فراهم آورد. همچنین کم‌کم با بزرگ شدن کودک، می‌توان از قوه عقل و تخیل هم بهره گرفت و مضامین عالی‌تری را آموزش داد؛ ولی آن‌چه بسیار حائز اهمیت است، این است که با روحيات کودک در سنين مختلف آشنا باشيم تا بتوانيم به اندازه درک وی، آموزش دهيم.

۳. آموزش تربیتی

«تربیت» مصدر باب تفعیل از ریشه «ربو» یا «ربی» است. ابن فارس آن را از ریشه «ربی/ربأ» می‌داند و چنین می‌نویسد: «الراء و الباء و الحرف المعتل و كذلك المهموز منه يدل على اصل واحد، و هو الزيادة و النماء و العلو؛ (ر،ب،ی(أ/إ) دارای یک اصل واحد معنایی است که «زیاده، نما و بلندی» می‌باشد» به همین دلیل او قائل است عرب‌زبانان به مکان مرتفع «ربوه» یا «الربوه» می‌گویند. (احمدبن فارس، ۱۳۸۷، ۳۶۱)؛ اما کاربرد آن بیش‌تر در مسایل اخلاقی است؛ به این دلیل در فرهنگ‌های لغت بر مفهوم اخلاق آن تاکید شده است. به نظر فیومی، به معنای «ریاضت نفس و خوبی اخلاق» می‌باشد (فیومی، ۱۴۲۵، ۹؛ المنجد، بی‌تا، ۵). در جایی دیگر، این لفظ را به معنای «اخلاق پسندیده، صفات نیک» (معین، ۱۳۸۵، ۱۷۸)؛ «پروردن و آموختن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۶۰۱) و «تهذیب» (جبران مسعود، ج ۱، ۱۳۸۰، ۶۵) آورده‌اند.

تربیت کودک از امور عقلی است که در آن شکی نیست (ر.ک: انصاری شیرازی، ج ۳، ۱۴۲۹، ۳۱۵) و فقها بر آموزش تربیتی کودک بسیار تاکید دارند تا از مفسده‌های اخلاقی در امان بماند (شهیدثانی، ج ۷، بی‌تا، ۴۹)؛ «حتی برخی شرافت انسان را وابسته به روحيات پسندیده وی می‌دانند» (رشیدپور، ۱۳۷۴، ۶) لذا باید این روحيات در انسان ایجاد و تقویت شود. «در اهمیت این کار همین بس که زمان شروع تربیت را حتی قبل از تولد فرزند دانسته‌اند» (پاک‌نهاد، ۱۳۹۵، ۴۵) و حدیثی از پیامبر ﷺ داریم که می‌فرمایند: «ادبوا اولادکم فی بطون امهاتهم قیل و کیف ذلک یا رسول الله؟ فقال باطعامهم الحلال» فرزندان خود را آن‌گاه که در شکم مادران خود هستند ادب کنید. سوال شد یا رسول‌الله این کار چگونه صورت می‌پذیرد؟ حضرت فرمود: با خوراندن غذای



حلال به مادرانشان. (پورجوادی، قمی نژاد، ۱۳۸۰، ۱۳۲). همچنین «سیره مستمره مسلمانان (متشرعه) این است که بر اولیا، اطفال خود را ملزم به تربیت آن‌ها می‌بینند و سعی می‌کنند آن‌ها را از انجام آن‌چه موجب فساد اخلاق است، محافظت نمایند. بعضی از فقها فرموده‌اند که سیره بر تادیب و تعزیر اطفال نیز وجود دارد» (انصاری شیرازی، ج ۳، ۱۴۲۹، ۳۱۴). «تربیت کودک باید با اهداف رشد فکری او، پرورش استعدادها، پرورش قوه قضاوت، پرورش حس مسئولیت اخلاقی و اجتماعی و بار آوردن او به عنوان یک عضو مفید جامعه، تحت شرایط مساوی با دیگران باشد. مصالح و منافع عالیه کودک باید سرلوحه رفتار کسانی باشد که مسئولیت تربیت و هدایت کودک را به عهده دارند. این مسئولیت در مرحله اول متوجه پدر و مادر کودک می‌باشد. کودک باید از امکانات کامل بازی و تفریح که متوجه تحقق یافتن هدف تعلیم و تربیت می‌باشد، برخوردار باشد. جامعه و مقامات دولتی باید برای این توسعه و تحقق یافتن این حق، در کلیه موارد بکوشند» (بهشتی، ۱۳۹۳، ۱۴۲).

۴. آموزش جنسی

آموزش جنسی نیز از اموری است که محققان زیادی به آن پرداخته‌اند و با استفاده از برخی دلایل فقهی امامیه، مثل قرآن، سنت، عقل و سیره متشرعه می‌توان اهمیت این مطلب را اثبات کرد. به عنوان مثال، پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتَّ سِنِينَ فَلَا يُقْبَلُهَا الْغُلَامُ وَالْغُلَامُ لَا تُقْبَلُ الْمَرْأَةُ إِذَا جَاوَزَ سَبْعَ سِنِينَ» هنگامی که دختر بچه‌ای شش ساله شد، پسر بچه‌ای او را نبوسد و همچنین زن‌ها از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت سال تجاوز کرده است، خودداری کنند. (مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۶، ۳۵۸) امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا آتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتُّ سِنِينَ لَمْ يَجْزُ أَنْ يُقْبَلَهَا

رَجُلٌ لَيْسَتْ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ وَلَا يَضُمُّهَا إِلَيْهِ» وقتی دختر بچه شش ساله شد، جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد و همچنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد (بغل کند) (حرعاملی، ج ۷، ۱۴۱۴، ۹۴) (برای اطلاعات بیش‌تر پیرامون تربیت جنسی کودک، ر.ک: رحیمی، ۱۳۹۸). جهت چگونگی اثبات تربیت جنسی کودک می‌توانید به مقاله «تربیت جنسی صبی در فقه امامیه» که نوشته مصنف است، مراجعه کنید. (ر.ک: رحیمی، ۱۳۹۸).

ادله قائلین به عدم وجوب آموزش امور عبادی بر والدین

گروهی با استناد به آیات و روایات متقدند که بر والدین واجب نیست امور عبادی را به کودکان آموزش دهند و آنان را مقید به این امور کنند. ادله‌ای که این گروه مطرح می‌کنند به شرح زیر است:

۱. آیات

«وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است» (نور/۵۹) برداشت از این آیه چنین است: از آن جایی که در این آیه، سن بلوغ به عنوان قیدی برای اجازه ذکر شده است، لذا لازم نیست قبل از سن بلوغ اجازه گرفته شود و از آن جایی که اجازه لازم نیست، پس به لحاظ عقل، مقدمات آن یعنی آموزش برای اجازه گرفتن نیز لازم نیست.



الف. سیادت کودک در هفت سال اول زندگی

در روایات مختلف پیرامون سن هفت‌سالگی مسایلی مطرح شده است. به عنوان مثال پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ...» «فرزند هفت سال سرور است؛ هفت سال بنده [و فرمانبردار] است؛ و هفت سال یاور است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱۳۷۰) پس تا قبل از سن هفت سالگی، زمان آموزش نمی‌باشد.

ب. بازی‌گوشی کودک، نشانه هوش او

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عرامه الصبى فى صغره زياده فى عقله فى كبره» بازی‌گوشی کودک در خردسالی‌اش مایه فزونی عقل در بزرگسالی اوست. (پاینده، ۱۳۸۲، ۵۶۴) در حدیثی مشابه، امام‌علی‌الکلیله می‌فرماید: «یرخى الصبى سبعا و یؤدب سبعا و یستخدم سبعا» کودک در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارده می‌شود و در هفت سال دوم به آن ادب آموخته می‌شود و در هفت سال سوم به خدمت گرفته می‌شود. (مجلسی، ج ۱۰۱، ۱۴۰۳، ۹۶) امام‌صادق‌الکلیله در احادیث مختلفی به همین مضمون اشاره دارد و می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین و الزمه نفسک سبع سنین، فان افلح و الا فانه من لآخر فیه» فرزندان را بگذار هفت سال بازی کند، سپس هفت سال او را ملازم خود گردان و او را نیز تحت نظر بگیر و تحت تربیت مستمر و بی‌وقفه خود داشته باش اگر درست کار شد که چه بهتر و گرنه معلوم می‌شود در او خیری نیست. (حرعاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹، ۴۷۳) در المستدرک هم از ایشان چنین آمده «الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین» طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد، هفت سال حلال و حرام

(احکام الهی) را یاد بگیرد» (نوری، ج ۱۵، ۱۴۰۸، ۱۶۵). در حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین نقل شده است: «تَسْتَحِبُّ عِرَامَةَ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَكِيمًا فِي كِبَرِهِ» خوب است فرزند در سنین خردسالی بازیگوش باشد تا در سنین بزرگسالی بردبار و صبور باشد. (مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۶، ۶۵۲). در تمام این روایات به وضوح دیده می‌شود که حضرات معصومین علیهم السلام قبل از سن هفت سالگی را زمان بازی و آزادی کودک قرار دادند؛ لذا اگر والدین بخواهند آنان را موظف به امور عبادی کنند، به منزله تعارض با حکم شرعی است؛ بنابراین وجوبی ندارد که والدین قبل از سن بلوغ اهتمام به این امر داشته باشند. همچنین دوره نوجوانی زمان آموزش احادیث مطرح شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَاثِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ» احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید (و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع نمایید)، پیش از آن که مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند (و آنان را گمراه سازند). (طوسی، ج ۸، ۱۴۰۷، ۱۱۱)

ج. روایات نهی از اجبار

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله داریم که ایشان از اجبار کودک نهی می‌کنند؛

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَىٰ بَرٍّ. قَالَ كَيْفَ يَعْينُهُ عَلَىٰ بَرٍّ؟ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَحْرِقُ بِهِ» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکی به خود یاری می‌کند. راوی حدیث پرسید: چگونه فرزندمان را در نیکی به خود یاری نماییم؟ حضرت فرمود: آنچه را که کودک در قوه و توان داشته و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد، او را به گناه و طغیان وادار نکنند و به او دروغ نگویند و در برابر او



مرتکب اعمال جاهلانه (و احمقانه) نشود» (کلینی، ج ۶، ۱۴۰۷، ۵۰) اولین چیزی که از نهی در ذهن متبادر می‌شود، حرمت مسئله است؛ پس نباید چنین کاری صورت گیرد. دلایل مطرح شده گویای این مطلب است که آموزش عبادی قبل از بلوغ بر والدین واجب نیست.

ادله موافقین به وجوب آموزش امور عبادی بر والدین

پیش‌تر ادله مخالفین را مطرح کردیم، اکنون به بررسی ادله موافقین به وجوب این امر بر والدین می‌پردازیم.

۱. آیات

اسلام مکتب تربیت است و والدین را به تربیت خود و فرزندان‌شان تشویق می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید. (تحریم/۶) امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ» به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید. (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۰) همچنین می‌دانیم اولین چیزی که در فعل امر در ذهن متبادر می‌شود، در مقام ایجاب و الزام است و تبادر نیز نشانه حقیقت است. (صدر، ۱۴۳۸، ۷۲) لذا این آیه می‌تواند وجوب آموزش را ثابت کند و این که آیه و تفسیر آن از جانب امام علی علیه السلام به خوبی اهمیت تربیت فرزندان را نشان می‌دهد. فرزندانی که تحت سرپرستی والدین آگاه قرار می‌گیرند، اگر به خوبی تربیت شوند، می‌توانند برای خود و جامعه مفید باشند.

در آیه ۵۸ سوره نور خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ

وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.» (نور/۵۸)

ذیل این آیه در تفسیر نور نکاتی مطرح شده است که عبارت‌اند از:

- ۱- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مومن هستند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ ذُنُوكُمْ»
- ۲- حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. لَيْسَتْ ذُنُوكُمْ...
- ۳- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لَيْسَتْ ذُنُوكُمْ»
- ۴- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ» (قرآنی، ج ۶، ۱۳۸۸، ۲۱۰)

در کتاب گزیده تفسیر نمونه نیز چنین آمده است: «بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند، چرا که آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند. ضمناً اطلاق آیه، هم شامل کودکان پسر و هم کودکان دختر می‌شود» (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ۱۳۷۱، ۵۳۹)



۲. روایات

روایات این بخش به دو دسته تقسیم می‌شوند. روایاتی که اهمیت مطلب را می‌رساند و روایاتی که وجوب را ثابت می‌کند.

الف. اهمیت تربیت در روایات

اهمیت تربیت کودک در روایات فراوانی اشاره شده است و والدین ملزم به رعایت این اصل هستند. در حدیثی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ» فرزند خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید. (بروجردی، ج ۲۶، ۱۳۸۶، ۸۵۰) نیز در مورد تربیت دختر چنین فرمودند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ، فَأَدَبَهَا، وَأَحْسَنَ آدَبَهَا وَغَايَا، فَأَحْسَنَ غَايَا، وَأَسْبَغَ عَلَيْهَا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي أَسْبَغَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ كَانَتْ لَهُ مِيمَنَةٌ وَمِيسِرَةٌ مِنَ النَّارِ إِلَى الْجَنَّةِ» هر کس دختر داشته باشد و او را خوب تربیت کند و به خوبی او را دانش بیاموزد و از نعمتهائی که خداوند به او عطا فرموده، به وفور بهره‌مندش سازد، آن دختر مانع و سپر پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود» (محمدی‌ری شـهـری، ج ۱، ۱۳۸۷، ۱۰۸) امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَأَمَّا قَلْبَ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» قلب نوجوان نورس مانند زمین خالی است. هر تخمی که در آن افشانده شود به خوبی می‌پذیرد» (حرانی، ۱۴۰۴، ۷۰؛ تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ۲۷۵). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجُئَةُ» پیش از آنکه مرجئه (صاحب افکار باطل) بر شما پیشی بگیرند به یاد دادن احادیث به فرزندان خود مبادرت کنید» (کلینی، ج ۶، ۱۴۰۷، ۴۷) اهمیت تربیت فرزند آن قدر زیاد است، طوری که پیامبر ﷺ اهمیت آن را بیش‌تر از صدقه‌دادن

می‌داند و می‌فرماید: «لَا نَ يُؤَدِّبُ أَحَدَكُمْ وَوَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ» بی تردید اگر هر یک از شما به ترتیب فرزند خود بپردازید، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیم صاع (گندم یا جو ...) در راه خدا صدقه بدهد» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۲۲) امام علی علیه السلام ضمن وصیتی به فرزندش امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «وَالْأَدَبُ خَيْرٌ مِيرَاثٍ» ادب بهترین میراث (پدر برای فرزند) است. (حرانی، ۱۴۰۴، ۸۹) از سفارش‌های لقمان به فرزندش نیز چنین است: «فَاتَّخِذْهُ (الْأَدَب) عَادَةً، فَإِنَّكَ تَخْلَفُ فِي سَلْفِكَ، وَتَنْفَعُ بِهِ مِنْ خَلْفِكَ، وَ يَرْتَجِيكَ فِيهِ رَاغِبٌ، وَيَخْشَى صَوْلَتَكَ رَاهِبٌ» فرزندم! تربیت را خلق و عادت همیشگی خود قرار ده، زیرا تو جانشین گذشتگان و الگوی آیندگان هستی که از ادب تو بهره مند خواهند شد، راغبان چشم امید به ادب تو دارند و خائفان از صولت و حشمت هراسانند. (مجلسی، ج ۱۳، ۱۴۰۳، ۴۱۱)

احادیث فوق اهمیت تربیت از دوران طفولیت را به وضوح نشان می‌دهد. علاوه بر آن حتی دوران شیردهی هم بسیار مهم است طوری که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَنْظُرُوا مَنْ تُرْضِعُ أَوْلَادَكُمْ، فَإِنَّ الْوَالِدَ يَشِبُّ عَلَيْهِ» بنگرید که چه کسی فرزندان‌تان را شیر می‌دهد؛ چرا که کودک، به همین شیر، رشد می‌کند. (مجلسی، ج ۲۱، ۱۴۰۴، ۷۷)

امام باقر علیه السلام نیز چنین می‌فرماید: «إِسْتَرْضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحِسَانِ، وَإِيَّاكَ وَالْقَبَاحَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعَدِّي» برای شیردادن کودک خود دایه خوش اخلاق استخدام کن و از دایه‌های بد اخلاق دوری کن؛ زیرا شیر (ویژگیها را) سرایت می‌دهد. (کلینی، ج ۶، ۱۴۰۷، ۴۴)



ب. وجوب تربیت در روایات

احادیث فراوانی هستند که وجوب از آن‌ها استنباط می‌گردد؛ لذا دسته‌بندی احادیث به شرح زیر است:

۱. دلالت فعل امر بر وجوب

در بعضی احادیث، از فعل امر استفاده شده و از طرفی فعل امر، بر وجوب تربیت دلالت دارند که عبارت‌اند از: امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «علموا صبیانکم الصلوه...» نماز را به کودکانتان بیاموزید. (حرعاملی، ج ۴، ۱۴۰۹، ۲۱) معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام پرسید: «فی کَم یُوْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ؟ فَقَالَ بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَسِتِّ سِنِينَ» در چه سنی کودک به نماز امر شود؟ حضرت فرمود: بین شش و هفت سالگی. (حرعاملی، ج ۴، ۱۴۰۹، ۱۸)

امام صادق علیه السلام نیز چنین می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْلُغَ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عِشْرِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يَقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ قِيلَ لَهُ صَلِّ وَ عَلِّمِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ ضَرَبَ عَلَيْهِ وَ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ ضَرَبَ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ لَوْلَدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» هنگامی که کودک به سه سالگی رسید لا اله الا الله را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است) وقتی هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن گاه

صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش شان خواهد آمرزید. (قمی، ج ۱، ۱۴۱۳، ۲۸۱)

اگر چه در این احادیث، امر به امر مطرح شده، ولی صاحب کفایه امر به امر را بر مامور اول واجب می‌داند. در احتمال سوم، این مطلب ذکر شده است) لذا وجوب این امر بر ولی ثابت می‌گردد.

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shahroudi/oso>

۲. حرمت آزار پیامبر ﷺ

در روایتی چنین آمده است که پیامبر خدا ﷺ نگاهشان به چند کودک افتاد و فرمودند: «وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان! عرض شد: ای پیامبر خدا آیا از دست پدران مشرکشان؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «لا، من ائلبائهم المومنین لایعلمونهم شیئا من الفرائض و اذا تعلموا اولادهم منعههم و رضوا عنهم بعرض یسیر من الدنیا فانا بریءو هم منی براء» نه، بلکه از دست پدران مومنان که هیچ یک از واجبات دینی را به آنان نمی‌آموزند و چون فرزندانشان، خودشان بخواهند بیاموزند، آنان را باز می‌دارند و در برابر آن به بهره‌ای اندک از دنیا خرسند می‌شوند. من با چنین پدرانی بیگانه‌ام و آنان نیز با من بیگانه‌اند. (نوری، ج ۱۵، ۱۴۰۸، ۱۶۴)



در فرمایش رسول اکرم ﷺ نیز نوعی شکایت و ناراحتی وجود دارد که در قرآن چنین آمده: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» هر آینه کسانی را که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خدا در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خوارکننده مهیا کرده است» و در آیه بشارت به عذاب داده شده، که عذاب در مقابل گناه است، لذا می توان این عمل عدم آموزش اعمال عبادی بر والدین را گناه تلقی کرد که منجر به عذاب می گردد.

امام علی نیز به فرزند خود امام مجتبیٰ (علیه السلام) می فرماید:

«وَأِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَيَسْتَعْلِ لُبَّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُغْيَتَهُ وَتَجَرِبَتُهُ فَتَكُونُ قَدْ كَفَيْتَ مَوْئِنَهُ الطَّلَبِ وَ عَوْفِيَتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجَرِبَةِ» قلب کودک نارس همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آموذن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته‌اند» (نهج البلاغه (دستی)، نامه ۳۱، ۵۲۲)

۳. تلازم میان حق و تکلیف

امام سجاد (علیه السلام) چنین می فرماید: «... حَقٌّ وَلَدِكَ ... أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَوَلِيَّتُهُ [بِهِ] مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدِلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ ... وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ فَيَكُ وَ فِي نَفْسِهِ ...» حق فرزند بر تو این است... در سرپرستی وی مسؤولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری

از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری اش دهی. (حرانی، ۱۴۰۴، ۲۶۳) در این حدیث، صحبت از حق است. «حق در مقابل تکلیف می‌آید» (بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۳۵)، پس این حق فرزند، تکلیف بر ولی را ثابت می‌کند. در بعضی احادیث به طور خاص، حقوق تربیتی برای کودک مطرح شده است. حقوق در مقابل وظایف است، لذا این حقوق نشان می‌دهد وظایفی متوجه والدین می‌باشد. از جمله این وظایف عبارت‌اند از: انتخاب نام خوب، نیکویی ادب و آموزش قرآن.

در حدیثی از پیامبر ﷺ چنین مطرح می‌شود: «قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: تَحْسِينُ اسْمِهِ وَادَّبَهُ وَتَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا» مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمودند: اسم خوب برایش انتخاب کنی، به خوبی او را تربیت نمایی و به کاری مناسب و پسندیده بگماری. (کلینی، ج ۶، ۱۴۰۷، ۴۸). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَوَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ» حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد. (نهج البلاغه (دستی)، حکمت ۳۹۹، ۷۲۵)

۴. صراحت لفظ «وجوب» در روایت

در روایتی از امام صادق علیه السلام لفظ «يجب» استفاده شده که به طور صریح وجوب را می‌رساند. ایشان می‌فرماید: «وَوَ تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثُ حِضَالٍ: اِخْتِيَارُهُ لِوَالِدَتِهِ، وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ» حق فرزند بر پدر و مادر سه چیز است: دایه و مربی خوب برایش انتخاب کند، نام خوبی برایش بگذارد و در تربیت او تلاش فراوان نماید» (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۳، ۲۳۶)



۵. اولویت تربیت بر نام‌گذاری

در سفارشی از امام‌علی علیه السلام داریم که ایشان می‌فرماید: «سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُؤَلَّدُوا...» فرزندان خویش را، پیش از آنکه متولد شوند، نام‌گذاری کنید. (حرعاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹: ۳۸۷) در این حدیث، امر به نام‌گذاری شده و از طرفی امر ظهور در وجوب دارد حال وقتی نام‌گذاری نزد ایشان از چنین جایگاهی برخوردار است، لذا تربیت که اهم این مورد هست، قطعاً به طریق اولی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد؛ پس والدین باید از این فرصت طلایی کمال استفاده را داشته باشند و به تربیت هر چه بهتر کودک خود بپردازند.

۳. عقل

آقای انصاری شیرازی چنین نقل می‌کند: «عقل حکم می‌کند به این که واجب است بر ولی کودک، تعلیم و تربیت به آن چه موجب سعادت وی می‌گردد، مانند اعتقادات صحیح دینی؛ و نیز واجب است او را از انجام آن چه موجب فساد اخلاق یا ضرر و زیان بر وی خواهد شد، منع نماید. این حکم بدیهی و روشن است و نیاز به اثبات ندارد، زیرا همان‌گونه که انسان، سعادت و رستگاری خویش را خواهان است، سعادت و رستگاری فرزندان خویش را نیز می‌خواهد و این خواسته فقط با تربیت صحیح فرزندان به دست خواهد آمد. اولویت قطعیه با این توضیح که گفته شود، وجوب حضانت اطفال و نفقه آن‌ها اقتضا دارد تربیت آنان به طریق اولی واجب باشد، زیرا نفقه اطفال و امور مزبور به حضانت آن‌ها در ارتباط با مسایل جسمانی است و از اهمیت کمتری برخوردار است، در حالی که تربیت صحیح آن‌ها موجب می‌شود به فضایل اخلاقی و کردار نیک و پسندیده روی آورند و به زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و

آخرت دست یابند، چنان که کوتاهی در تربیت آن‌ها چه بسا موجب بدبختی و هلاکت و شقاوت دایمی آن‌ها خواهد شد، بدیهی است آن‌چه مربوط به تربیت و جنبه روحی است، بسیار با اهمیت‌تر از امور جسمانی است، پس باید به طریق اولی واجب باشد» (انصاری شیرازی، ج ۳، ۱۴۲۹، ۳۱۵)

طبق قاعده اولویت که آقای انصاری شیرازی در متن فوق اشاره کردند، تربیت کودک که نتیجه آموزش صحیح وی می‌باشد، قابل استنباط است. از طرفی با توجه به این که در آیات و روایات فراوانی از فعل امر استفاده شده که اشاره به وجوب دارد، لذا منجر به علم اجمالی می‌گردد و منجزیت را به همراه دارد. (صدر، ۱۴۳۸، ۲۴۵) همچنین طبق قاعده «دفع ضرر محتمل» و «گستره حق الطاعة پروردگار» می‌توان گفت به حکم عقل باید آموزش کودک را قبل از سن بلوغ آغاز کرد که منجر به عقاب ولی از جانب شارع نگردد.

۴. سیره متشرعه

«سیره مستمره مسلمانان (متشرعه) این است که بر اولیا، اطفال خود را ملزم به تربیت آن‌ها می‌بینند و سعی می‌کنند آن‌ها را از انجام آن‌چه موجب فساد اخلاق است محافظت نمایند. بعضی از فقها فرموده‌اند که سیره بر تادیب و تعزیر اطفال نیز وجود دارد» (انصاری شیرازی، ج ۳، ۱۴۲۹، ۳۱۴) سبزواری علت چنین تأکیدی را ولایت پدر می‌داند و همچنین اشاره دارد که سیره سلف همین بوده است. وی چنین می‌گوید: «لأن ذلك من أهم جهات ولاية عليه بل لم تشرع الولاية إلا لذلك فيلزم عليه القيام بها، و تقتضيه سيرة المتشرعة خلفا عن سلف و لقوله صلى الله عليه و آله: «كلكم راع و كلکم مسؤول عن رعيتة» (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۳۰)



۵. فتوای فقها

نظر فقها در ادامه ضرورت تربیت و آموزش کودک توسط سرپرست (پدر یا جد پدری یا قیم) چنین است که وی را باید به فرد امینی بسپارد تا به او علوم لازم را آموزش دهد و همچنین با تربیت صحیح، از فساد اخلاقی وی جلوگیری کند. در کتاب آمده است: «يجوز للولی تسليم الصبی إلى أمين يعلمه الصنعة، أو إلى من يعلمه القراءة و الخط و الحساب و العلوم العربية و غيرها من العلوم النافعة لدينه و دنياه و يلزم عليه أن يصونه عما يفسد أخلاقه فضلا عما يضر بعقائده» (سیستانی، ج ۲ منهج الصالحین چنین، ۱۴۱۷، ۳۳۷) این مطلب در سایر کتب فقهی نیز ذکر شده است که نشان دهنده اهمیت این مطلب می باشد. در جایی دیگر بیان شده است که علت تاکید بر تربیت کودک این است که وی قدرت تشخیص خوب و بد را ندارد؛ موحدی لنگرانی در این مورد چنین می گوید: «حيث ان بنیان الامور انما يتحقق في حاله الطفوليته، فاللازم على الولی تهئته مقدمات الرشد و التکامل، و ملاحظه حفظه عن فساد الاخلاق فضلا عن العقیده، لعدم قدرته على تشخیص هذه الامور بنفسه» (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۵، ۳۰۵) لذا به علت همین عدم قدرت تشخیص، بر ولی لازم است که مقدمات رشد صحیح کودک را فراهم کند و از فساد اخلاقی حفظ کند.

با این پنج ادله می توان به این نتیجه رسید که بر والدین واجب است تربیت کودک را قبل از سن بلوغ آغاز کرده و کودکان را به انجام آن امور تشویق کنند؛ چون فرزندان از اعمال انسان به حساب می آید. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَهُ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَهُ مَوْفُوهٌ لَا تُورَثُ أَوْ سَنَّهُ هَدَى سَنَهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَعَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وُلْدٌ صَالِحٌ

يَسْتَعْرِضُ لَهُ» اجر و مزد هیچ عملی که پس از مرگ انجام گیرد، به انسان نمی‌رسد مگر سه کار: صدقه‌ای که در حال حیات جاری ساخته و آن پس از مرگ نیز تا روز قیامت جریان خواهد داشت و موقوفه‌ای که از خود به عنوان صدقه گذاشته و به ارث نبرند و دیگر رفتار هدایت‌بخشی که از خود به یادگار گذاشته، هم خود به آن عمل کرده و هم دیگری پس از وی، سوم فرزند شایسته‌ای که برایش طلب مغفرت و آمرزش کند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۳۵)

و نیز می‌دانیم که از اعمال، حساب و کتاب می‌شود و آیات فراوانی در قرآن بر این امر دلالت دارد. (ر.ک: اعراف/۸) اگر افرادی ادعا کنند که از این ادله، وجوب به دست نمی‌آید، می‌توان گفت از لحاظ فقهی، حداقل اولویت یا استصحاب حاصل می‌شود ولی از لحاظ عقل، در مرحله وجوب قرار دارد و از طرفی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» (ر.ک: بهبهانی، ۱۴۲۶، ۲۲؛ هاشمی خوئی، ج ۱۵، ۱۴۰۰، ۱۷۶)، چون عقل حکم وجوب می‌دهد، لذا می‌توان گفت، شرع هم حکم وجوب می‌دهد.

بررسی تعارض آیات و روایات گروه موافق و مخالف

۱. بررسی تعارض آیات

همان‌طور که گذشت، مخالفان با استناد به آیه ۵۹ سوره نور، تربیت را مشروط به بعد از بلوغ و موافقان با استناد به آیه ۵۸ همان سوره، تربیت را مربوط به قبل بلوغ دانستند. باید گفت در اصل این دو آیه هیچ تعارضی با هم ندارند، بلکه می‌توان این دو آیه را به صورت عام و خاص در نظر گرفت و می‌دانیم که «خاص، مقدم بر عام می‌باشد» (صدر، ۱۴۳۸، ۳۰۹) لذا دوران قبل از بلوغ که در آیه ۵۸ ذکر شده است، مقدم بر دوران بلوغ در آیه ۵۹ می‌باشد. از



طرفی وقتی در آیه ۵۸ ثابت شد که تربیت مربوط به قبل از بلوغ است، به طریق اولی برای دوران بعد از بلوغ نیز این حکم ثابت است.

۲. بررسی تعارض روایات

الف. روایات هفت سالگی

در روایات اشاره شده است که هفت سال اول زندگی کودک، دوران سروری اوست؛ ولی باید توجه داشت در ادامه حدیث اشاره شده که در هفت سال دوم، کودک باید مطیع و فرمانبردار از والدین باشد و این محقق نمی‌شود مگر این که در دوران اول، این مهارت به کودک آموزش داده شود. تجربه زندگی بشر نشان داده است انسان آزاد مطلق را نمی‌توان به سرعت به انسان مقید تبدیل کرد. علاوه بر این، گروه موافق، روایات فراوانی را مطرح کردند که نشان می‌دهد تربیت کودک مربوط به سنین زیر هفت سال است و همین روایات می‌تواند قیدی برای روایت مورد بحث باشد. اگر هم گفته شود در روایات، استحباب ثابت شد و نه وجوب، در جواب باید گفت تکیه موافقان بر ادله عقلی است که بر اساس ادله عقلی، وجوب آموزش را ثابت کردند، لذا روایت مذکور، مراحل را مشخص می‌کند که همان طور که ذکر شد، پذیرش در هفت سال دوم، منوط به آموزش هفت سال اول است.

ب. روایات بازی کودک

گروه مخالف، روایت دیگری را مطرح کردند که مضمون آن به «بازی کودک» اشاره دارد. این روایت هم منافاتی با تربیت کودک ندارد. از آن جایی که آموزش در خلال بازی امر مسلم و ثابت شده‌ای است، لذا با تدبیر والدین، هم می‌توان کودک را مشغول به بازی کرد و هم می‌توان در قالب بازی، معارف

و اصولی را آموزش داد. (ر.ک: جهانگرد، ۳۵، ۱۳۸۳؛ شهرآرای، ۱۳۷۲، ۱۱۳) با این مدیریت، هم کودک از بازی خویش لذت می‌برد و هم کمال استفاده برای کودک و والدین فراهم می‌شود.

ج. روایات عدم اجبار کودک

روایت دیگر اشاره به عدم اجبار کودک دارد. باید گفت قرار نیست کودک به کاری مجبور شود، بلکه صحبت از زمینه‌سازی برای قبول اتیان امر پروردگار است؛ چرا که در حدیثی اشاره شد که اگر خود کودکان را تربیت نکنیم، مرجه (صاحب افکار باطل) او را تربیت خواهند کرد. (ر.ک: کلینی، ج ۶، ۱۴۰۷، ۴۷) از طرفی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «من ضیعه الاقرب اتیح له الابعد» هر کس نزدیکان او را از خود دور کند، بیگانگان او را به خود نزدیک می‌کنند» (نهج البلاغه (دشتی)، حکمت ۱۴، ۶۲۷)

د. شروع آموزش از نوجوانی

روایت بعدی که مخالفان به آن استناد کردند، حدیث امام صادق علیه السلام هست که ایشان فرمودند احادیث ما را به نوجوانان بیاموزید. ادعای آنان این بود که بر اساس این حدیث، لازم نیست قبل از سن بلوغ، تربیت عبادی صورت گیرد. در جواب باید گفت: «اثبات شی، نفی ماعدا نمی‌کند» لذا اگر چه در این حدیث، آموزش احادیث در دوران نوجوانی مطرح شده است ولی به معنای عدم آموزش در دوران کودکی نیست؛ از طرفی در موارد فوق ثابت کردیم که تربیت به دوران قبل از بلوغ برمی‌گردد و در درجه اول، این امر بر عهده والدین است. (ر.ک. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa9190505>؛ <https://javabko.com/question/ob3fdfoev3705391841d93019>).



۵. قاعده امر به امر

مخالفان در مورد روایات «امر به امر» گفته‌اند که اگر مبنا را صاحب کفایه بدانیم، شاید آن از دسته از احادیث گویای وجوب باشد، ولی اگر مبنا، نظر جمیع اصولیان باشد، بر این دلیل هم نمی‌توان استناد کرد.

۶. سه روایت دیگر

در نهایت باید گفت که آیات و روایاتی که در متن به آن‌ها اشاره شد، مواردی مثل «آزار پیامبر» و «رابطه حق و تکلیف» و «صراحت فعل (یجب)» وجوب را می‌رسانند؛ با این حال اگر کسی این آیات و روایات را هم با دلایل مختلف رد کند، ولی دلیل عقلی از جمله «منجزیت علم اجمالی»، «دفع ضرر محتمل» و «گستره حق الطاعه پروردگار»، خود به تنهایی می‌تواند وجوب آموزش را بر والدین ثابت کند. پس می‌توان گفت تربیت کودک قبل از سن بلوغ بر والدین واجب است و در صورت عدم تربیت و گمراهی کودک به این علت، والدین مقصر هستند و عقاب می‌شوند. اکنون که این امر ثابت شد، باید حدود و ثغور آن را بدانیم تا دچار افراط یا تفریط نشویم. امید است در آینده به بررسی حدود آن پرداخته شود.

نتیجه

تربیت اسلامی فراهم کردن زمینه‌های رشد و شکوفایی دائمی همه استعدادهای انسان در جهت کمالات الهی- انسانی است. از این رو، با توجه به این تعریف، خواهیم دانست که:

۱ - تربیت امری تحمیلی نیست، بلکه زمینه سازی است.

۲ - تربیت امری موقت نیست، بلکه دائمی است.

۳ - تربیت امری یک بُعدی نیست، بلکه چند بُعدی است.

۴ - تربیت امری بی‌هدف نیست، بلکه هدفدار است»
<http://www.hadithlib.com/rolls/chel/۴۱۰۰/%D۹%۸۵%D۹%۸۲%D۸%AF%D۹%۸۵%D۹%۸۷/>
 همچنین با توجه به حکم عقل، می‌توان بنابر احتیاط واجب، تربیت عبادی را بر والدین ثابت کرد.

پیشنهاد

باید توجه داشت که ممکن است برخی از مفاهیم دینی برای کودکان ثقیل و خام باشد؛ لذا باید آن را مانند شکر در آب حل کنیم و همچون شربتی شیرین به فرزندمان بچشانیم، یعنی برای آشنا ساختن آنان با ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از داستان‌های معجزه و کرامات آن‌ها شروع کنیم تا برای نونهالان ما شیرین و جذاب باشد؛ زیرا آنان در سنی نیستند که از ما استدلال بخواهند. با همین روش باید آن‌ها را با فضایل و ارزش‌های مانند ایثار، جهاد، کمک به هم‌نوع و دیگر مفاهیم دینی همچون نماز، روزه و حجاب، احترام به والدین و معلم، نظم و انضباط، پاکیزگی و آراستگی، امانت‌داری، صداقت و... آشنا کرد. نکته مهم برای ایجاد رابطه با نوجوانان و جوانان این است که مانند پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) «طیب دوار؛ پزشک سیار» (مجلسی، ج ۳۴، ۱۴۰۳، ۲۳۹) باشیم و خود به سراغ بیمار برویم؛ نباید انتظار داشت که جوان به سراغ ما بیاید. در همین خصوص، نقل می‌کنند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حسن (علیه‌السلام) و حسین (علیه‌السلام) را به پشت خود سوار می‌کرد و می‌فرمود: «نیکو شتری است، شتر شما» (مجلسی، ج ۴۳، ۱۴۰۳، ۲۸۵) بنابراین قبل از هر چیزی باید اعتماد و علاقه جوانان را به خود جلب کنیم تا به آنچه آموزش می‌دهیم، اقبال داشته باشند. سعی کنیم فضای خانواده



به گونه‌ای باشد که کودک دچار سانسور فکری نشود. در حقیقت باید زمینه‌ای فراهم گردد که فرزند به راحتی و با اشتیاق، مشکلات و سئوالات خود را با والدین مطرح کند اگر آنان نتوانند این وظیفه را به خوبی انجام دهند، جوان برای دریافت پاسخ سئوالات خود به راه‌های نادرست و منابع غیر مطمئن روی آورده و دچار گمراهی و مشکلات روحی و فکری می‌گردد» (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳) امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «كُونُوا دَعَاهِ لِلنَّاسِ بِه غَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» مردم را با روشی غیر زبانتان، به سوی خدا بخوانید. (طبرسی، ۱۳۸۵، ۴۶) بنابراین با اهتمام والدین به اعمال عبادی، امید است که فرزندی متدین حاصل شود.



فهرست منابع و مآخذ:

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

منابع کتاب:

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش
- ۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴، ج ۲
- ۳- ابوالحسنین احمد بن فارس بن زکریا، ترتیب مقایس اللغه، ترتیب و تنقیح: سعیدرضا علی عسکری و حیدر مسجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- ۴- اسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، ج ۱، حسون، فارس، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰، ج ۱
- ۵- اسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۲، عراقی، مجتبی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷، ج ۱
- ۶- انصاری شیرازی، قدرت الله، موسوعه احکام الاطفال وادلتها، ج ۳، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۴۲۹.
- ۷- انیس و همکاران، ابراهیم، فرهنگ معجم الوسیط (عربی-فارسی)، ج ۱، بندرریگی، محمد، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹، قم، ج ۳
- ۸- بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشریعه (للبروجردی)، ج ۲۶، جمعی از محققان، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶، ج ۱
- ۹- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۳
- ۱۰- پاک نهاد، محسن، تربیت فرزند با الهام از آیات و روایات، کتاب کسرا، تهران، ۱۳۹۵
- ۱۱- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قضا رت رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲، ج ۴
- ۱۲- پورجوادی، قمی نژاد، نصرالله، مهدی، جنگ مهدوی: تاریخ کتابت از ۷۵۳ قمری به بعد (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۳- تافلر، الوین، آموختن برای فردا (نقش آینده در تعلیم و تربیت)، پاکزاد، خیام، بابک، رضا، انتشارات بهنامی، تهران، ۱۳۷۷



- ۱۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، رجائی، سیدمهدی، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰، ج ۲
- ۱۵- جهانگرد، یدالله، ما و کودکان دبستانی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۳، ج ۷
- ۱۶- حسینی سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، ج ۲، دفتر حضرت آیت الله سیستانی، قم، ۱۴۱۷.
- ۱۷- حلی (ابن ادریس)، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰، ج ۲
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱ و ۵ و ۶ و ۱۳ و ۱۵، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالشامیه، بیروت-لبنان، ۱۴۱۲
- ۲۰- رشیدیپور، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۱- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، موسسه المنار، قم، ۱۴۱۳.
- ۲۲- سید میرزایی، شاهرخی، قطبی، سید داوود، سیدعلی، هادی، آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، احمدیه، قم، ۱۳۹۲
- ۲۳- شهرآرای، مهرناز، روان شناسی یادگیری کودک و نوجوان، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۲
- ۲۴- شهیدثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۷، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، بی تا
- ۲۵- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، آل البیت، ۱۴۰۹، ج ۱
- ۲۶- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه الی احکام الائمه علیهم السلام، ج ۷، آستانه الرضویه المقدسه مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۴، ج ۱
- ۲۷- صدر، سید محمد باقر، درس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)، غروی ان نیشابوری، ابراهیمی شاهرودی، شیخ محسن، شیخ عبدالجواد، دارالعلم، قم، ۱۴۳۸
- ۲۸- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲، ج ۴
- ۲۹- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، ج ۸، الموسوی خراسان، حسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷، ج ۴
- ۳۰- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه فی الفقه الامامیه، مروارید، محمدتقی، مروارید، علی اصغر، دار التراث-الدار الاسلامیه، بیروت-لبنان، ۱۴۱۰، ج ۱
- ۳۱- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشى - کلاتر)، ج ۲، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰، ج ۱

- ۳۲- عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، منیه المرید، مختاری، رضا، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹، ج ۱
- ۳۳- فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غویب شرح الکبیر الرافعی، قم، دارالهجره، ۱۴۲۵.
- ۳۴- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸، ج ۱
- ۳۵- قمی، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۱، غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳، ج ۲
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۶، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷، ج ۴
- ۳۷- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱۰۱، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۲
- ۳۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۲۱، رسولي محلاتی، سیدهاشم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴، ج ۲
- ۳۹- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (ط-القدیمه)، ج ۸، موسوی کرمانی، حسین، اشتهاردی، علی پناه، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶، ج ۲
- ۴۰- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)، ج ۱، شیخی، حمیدرضا، دارالحديث، ۱۳۸۷
- ۴۱- محمدی همدانی، اصغر، تحقیقی در سن تکلیف و استفتائات مربوطه، تهران، گلزار کتاب، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۴۲- مسعود، جبران، الرائد (فرهنگ الفبایی عربی-فارسی)، ترجمه: رضا انزابی نژاد، ج ۱ و ۲، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.
- ۴۳- معلوف، لويس، المنجد (عربی-فارسی)، ج ۱ و ۲، بندرریگی، محمد، انتشارات ایران، تهران، ۱۳۸۴، ج ۵
- ۴۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی (متوسط)، موسسه انتشارات امیر کبیر تهران، تهران، ۱۳۸۵.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱۰
- ۴۶- موحدی لنگرانی، محمدفاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-المضاربه-الشرکه-المزرعه و...، مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۴۲۵.
- ۴۷- ناصر علی عبدالله (ناصر حکمت)، المعجم البسیط، دارالفکر، قم، ۱۳۸۷، ج ۱

